

«بررسی اشتغال و حداقل دستمزد از منظر فقر»



شهاب الدین فولادی مقدم



چکیده



مقایسه حداقل دستمزد با خط فقر، اطلاعات زیادی در مورد چگونگی و گستره اثر گذاری حداقل دستمزد به دست می‌دهد. در این گزارش برای نحوه اثر گذاری سیاست حداقل دستمزد، چند شاخص مرسوم یعنی نسبت حداقل دریافتی خانوار به خط فقر و اشتغال در خانوارهای فقیر و غیر فقیر مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که حداقل دستمزد نسبت به تورم سبد خط فقر عقب افتاده و این عقب افتادگی، اهمیت اشتغال برای توضیح دهندگی تفاوت فقرا با غیر فقرا را کاهش داده است. کاهش ارزش حقیقی حداقل دستمزد باعث بروز پدیده‌ای به نام شاغلین فقیر شده که با فلسفه اولیه حداقل دستمزد در تضاد است. این نتیجه به ویژه در مقایسه حداقل دریافتی خانوار با خط فقر استانی نمود بیشتری دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که میزان اثر گذاری سیاست حداقل دستمزد بر روی خانوارهای غیر فقیر نزدیک به خط فقر بسیار بیشتر از خانوارهای فقیر است؛ از این رو حداقل دستمزد ممکن است در خروج فقرا از فقر کارایی زیادی نداشته باشد اما با احتمال بیشتری می‌تواند از ورود خانوارها به ورطه فقر جلوگیری کند؛ چرا که رفاه خانوارهای غیر فقیر نزدیک خط فقر به میزان قابل توجهی تحت تأثیر حداقل دستمزد است.



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

مشخصات گزارش:



دفتر مطالعات بخش عمومی

گروه سیاست‌های
حمایتی و مقابله با فقر

نوع گزارش:

- طرح/ لایحه
- نظارتی
- راهبردی

شماره مسلسل:
۲۳۰۲۰۵۱۶

تاریخ انتشار:
۱۴۰۳/۱۲/۱۸



سیدهادی موسوی نیک، سیدمحمد حسین فاطمی (ناظران علمی)؛ شاهین بهداروند، لیلا مومنی، حسین رجب‌پور، فاطمه عزیزخانی (دفتر مطالعات اقتصادی)، سید سجاد پادام (اظهار نظر کنندگان)؛ سمیرا صادقی عسکری (صفحه‌آرا)



یکی از مهم‌ترین متغیرهای تعیین‌کننده رفاه خانوار، درآمد خانوار است. درآمد خانوار را می‌توان به درآمد ناشی از کار (شغل) و درآمد غیرکاری (حاصل از دارایی) تقسیم‌بندی کرد که در نهایت درآمد قابل تصرف را می‌سازد. سهم قابل توجهی از این درآمد قابل تصرف به خصوص برای دهک‌های متوسط درآمدی را درآمد ناشی از شغل تشکیل می‌دهد.^۱ درآمد ناشی از شغل یا همان دستمزد یک متغیر سیاستی است که مطابق با ماده (۴۱) قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹، هر ساله شورای عالی کار موظف به تعیین دستمزد با توجه به نرخ تورم اعلامی از طرف بانک مرکزی، به منظور تأمین هزینه‌های زندگی یک خانوار با تعداد متوسط است که مبنای عمل برای جبران خدمات در بخش خصوصی قرار می‌گیرد. لذا اجرای سیاست حداقل دستمزد از طریق حفظ قدرت خرید نیروی کار در برابر رشد قیمت‌ها گامی مهم در جهت حمایت از کارگران است. از سویی؛ میزان رفاه خانوار در هر سال وابسته به کم و کیف اثرگذاری دستمزدها و تورم بر روی درآمد قابل تصرف و هزینه خانوار است. در حقیقت برآیند اثر میزان رشد هزینه‌های خانوار و میزان افزایش در درآمد آن‌ها است که افزایش یا کاهش رفاه خانوار را موجب می‌شود.

یکی از اصلی‌ترین کارکردهای محاسبه خط فقر، تاثیر این شاخص بر روی سیاست‌های رفاهی است. از این رو است که حساسیت در تعیین خط فقر بسیار زیاد است. محاسبه خط فقر علاوه بر اینکه مبنایی بر اندازه‌گیری میزان فقر موجود و تغییرات آن در جامعه است، می‌تواند معیاری باشد تا برخی از شاخص‌های سیاستی مانند حداقل دستمزد با آن سنجیده شود، بطوریکه در برخی از کشورها خط فقر هم‌معنوی یکی از معیارهای تعیین حداقل دستمزد در نظر گرفته می‌شود. مقایسه حداقل دستمزد با خط فقر که هر دو از مفاهیم مهم اقتصادی بوده و به‌طور مستقیم با وضعیت معیشتی افراد و خانوارها مرتبط هستند، تحلیل‌هایی را از رفاه خانوارهای نزدیک به خط فقر ارائه می‌دهد، خانوارهایی که به لحاظ رفاهی شکننده بوده و وابستگی شدیدی به درآمد ناشی از شغل دارند.

اقتصاد ایران در نیمه دوم دهه ۹۰ با افزایش نرخ فقر و پایداری فقر در سطح ۳۰ درصد روبرو بوده است [۴]. با توجه به بنیه تولیدی و شرایط تحریمی، اقتصاد ایران در نیمه دوم دهه ۹۰ توانایی لازم برای رشدهای اقتصادی پایدار و فراگیر را نداشته در نتیجه نرخ فقر ۳۰ درصد به یک تعادل میان مدت با شاخص‌های اقتصاد کلان رسیده است. تلاطم‌های اقتصادی و تورم‌های شدید در نیمه دوم دهه ۹۰ قدرت خرید جامعه را تا حد زیادی کاهش داده و این در حالی بود که کیک اقتصادی کشور به مرور کوچک شده و در نتیجه یا شغل‌های با کیفیت و درآمد پایدار ایجاد نشده است، یا درآمد و دستمزد از تورم و قیمت‌ها عقب افتاده‌اند. به همین جهت به مرور تصمیم‌گیری در خصوص حداقل دستمزد و دوگانه‌هایی که در مورد میزان افزایش حداقل دستمزد به وجود می‌آید، چالش برانگیزتر می‌شود. فارغ از این دوگانه‌های مرسوم در تعیین حداقل دستمزد، نگاه این گزارش به حداقل دستمزد از زاویه فقر است. به این معنی که شاخص‌های اشتغال و دستمزد با شاقولی به نام خط فقر سنجیده شده و خلاصه‌ای از وضعیت رفاهی و اثرگذاری رفاهی حداقل دستمزد ارائه شود.

۲. بررسی چند شاخص

برای مقایسه داده‌های حداقل دستمزد با خط فقر، ابتدا باید معیار مبنای خط فقر مشخص گردد. بر اساس محاسبات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی [۱]، خط فقر مطلق برای کل کشور در سال ۱۴۰۲ برای هر فرد حدود ۳ میلیون و ۷۹۸ هزار تومان محاسبه شده است. بر مبنای بُعد معادل خانوار، خط فقر مطلق برای یک خانوار سه نفره در سال ۱۴۰۲ حدود ۸ میلیون و ۳۵۶ هزار تومان بوده است. با توجه به نرخ تورم ۶ ماهه اول در سال ۱۴۰۳ (۳۴،۲ درصد)، برآورد اولیه برای خط فقر مطلق کل

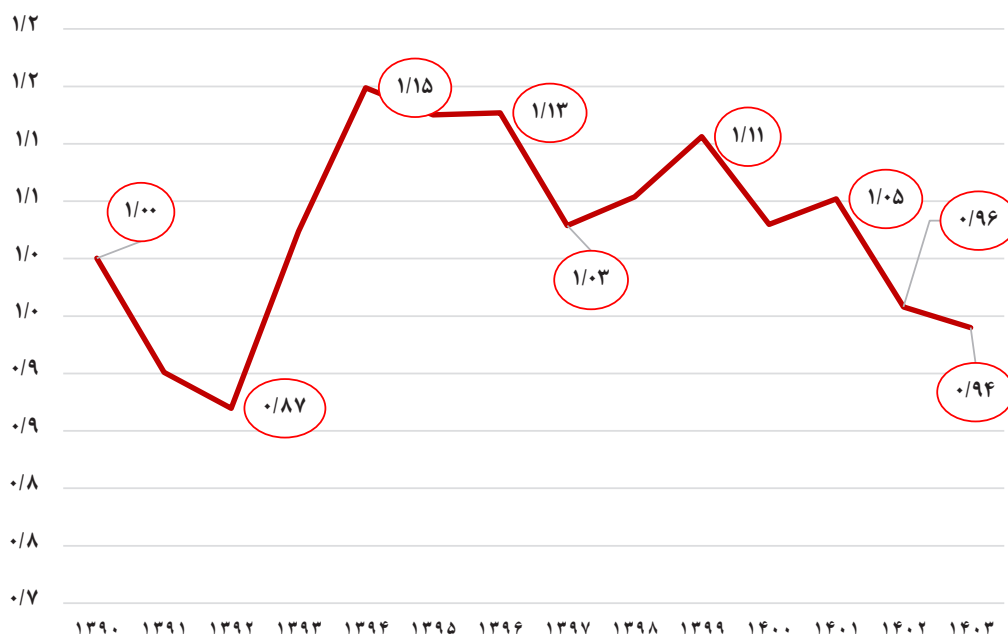
۱. مطابق با آمار و اطلاعات منتشر شده در هزینه درآمد خانوار شهری در سال ۱۴۰۲ مرکز آمار ایران؛ سهم درآمد کاری برای دهک‌های دو تا هفتم هزینه‌ای معادل ۵۲ درصد می‌باشد. این رقم با احتساب تعداد افراد شاغل در خانوار محاسبه شده است.

کشور در سال جاری برای یک خانوار سه نفره حدود ۱۱ میلیون و ۲۱۴ هزار تومان است. سبد خط فقر^۱ در سال ۱۴۰۲ حدود ۴۹ درصد نسبت به سال ۱۴۰۱ افزایش داشته و پیش‌بینی می‌شود برای سال جاری کمی بیش از ۳۵ درصد نیز افزایش داشته باشد. این در حالی است که نرخ افزایش حداقل دستمزد در دو سال مذکور به ترتیب ۲۷ درصد و ۳۵ درصد بوده است. با این مقدمه به بررسی شاخص‌های مرتبط با حداقل دستمزد و اشتغال از منظر رفاهی می‌پردازیم.

۱-۲. نسبت حداقل دستمزد به خط فقر

یکی از اهداف اصلی تعیین حداقل دستمزد، کاهش فقر در میان کارگران کم درآمد است. البته باید توجه داشت که حداقل دستمزد می‌تواند بر روی استانداردهای زندگی خانوارهایی موثر باشد که یک فرد از اعضای آنها شغل رسمی داشته باشد. مقایسه حداقل دستمزد با خط فقر اطلاعات خوبی در خصوص سطح رفاه خانوار دارای فرد شاغل به دست می‌دهد. نمودار شماره (۱) این نسبت را گزارش کرده و با عدد یک مقایسه کرده است. عدد یک به معنی تطبیق حداقل دریافتی با خط فقر است و در صورت تحقق، به این معناست که تمامی کارگران حداقل بگیر (خانوار سه نفره) روی خط فقر قرار می‌گیرند. داده‌های حداقل دریافتی برای خانوار سه نفره شامل حق مسکن، حق خواربار، حق عائله مندی و حق اولاد است^۲ که بر اساس بُعد معادل خانوار محاسبه شده است. خط فقر مربوط به سال ۱۴۰۳ نیز بر اساس تورم شش ماهه اول سال به روز رسانی شده است. این شاخص نشان می‌دهد که نسبت حداقل دریافتی به خط فقر برای خانوار سه نفره از سال‌های ۱۳۹۹ به بعد روند نزولی داشته و بعد از سال ۱۴۰۱ به زیر عدد یک رسیده است. دلیل اصلی روند کاهشی این نسبت جاماندن نرخ رشد حداقل دستمزد در مقایسه با نرخ تورم است که باعث شده سبد فقر محاسباتی با آهنگ تندتری نسبت به حداقل دستمزد رشد نماید و نتیجه آن نزولی شدن نمودار در سال‌های جهش فقر در اواخر دهه نود می‌باشد. بر اساس برآوردهای مطالعه، نسبت حداقل دریافتی خانوار سه نفره به خط فقر در سال جاری حدود ۹۴ درصد است که همچنان کمی بیشتر از کمینه این عدد در دهه ۹۰ یعنی سال ۱۳۹۲ است. در صورت ادامه این روند در سال آینده این نسبت به کمینه نمودار شماره (۱) نزدیک‌تر می‌شود. بر اساس داده‌های مرکز آمار نرخ تورم تا پاییز سال جاری حدود ۳۳ درصد است (البته ممکن است تا انتهای سال نرخ تورم کمی بیش از این رقم افزایش یابد). با فرض یکسان بودن تورم سبد فقر با تورم کل می‌توان نتیجه گرفت برای رسیدن به عدد یک (تطابق حداقل دستمزد با خط فقر) حداقل دستمزد باید بیش از عدد تورمی سال جاری افزایش یابد.

شکل ۱. نمودار نسبت حداقل دریافتی خانوار سه نفره به خط فقر خانوار سه نفره



مأخذ: محاسبات تحقیق

۱. منظور از سبد خط فقر، سبدي است حاوی کالا و خدماتی که معیار محاسبه خط فقر قرار می‌گیرد.
 ۲. حق بیمه از این داده کسر نشده و لذا بخشی از این دستمزد به عنوان پرداخت اجباری برای پوشش بیمه‌ای پرداخت می‌شود.



حداقل دستمزد به صورت سالانه تعیین می‌گردد اما نرخ تورم در طول سال یکسان نیست از این رو قدرت خرید حداقل دستمزد در طول سال یکسان نبوده و برای چهار فصل سال متفاوت است. در نتیجه نسبت‌های مربوط به نمودار شماره (۱) در طول سال یکسان نیست و کارگران در چهار فصل سال قدرت خرید متفاوتی داشته در نتیجه رفاه متفاوتی در طول یک سال خواهند داشت. نمودار شماره (۲) نسبت حداقل دریافتی خانوار به خط فقر سه نفره به تفکیک فصل برای سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ را ارائه داده است. همانطور که مشخص است حداقل دریافتی خانوار در دو فصل اول سال نسبت به خط فقر بیشتر بوده اما در دو فصل پایانی سال قدرت خرید حداقل دریافتی به زیر خط فقر می‌رسد. این روند تقریباً در تمامی چهار سال مورد بررسی در نمودار شماره (۲) تکرار شده است. هر چند نقطه اوج این نسبت برای سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ در مقایسه با به دو سال بعدی در سطح بالاتری قرار دارد. بر اساس این سیکل تکراری می‌توان نتیجه گرفت که رفاه خانوار دارای سرپرست شاغل در شش ماه اول سال بیشتر از شش ماه دوم است.

شکل ۲. نمودار نسبت حداقل دریافتی به خط فقر فصلی



مأخذ: محاسبات تحقیق

۲-۲. تورم و نرخ رشد حداقل دستمزد

تعیین حداقل دستمزد همواره با مناقشات کارگری و کارفرمایی همراه بوده است. سازوکار تعیین حداقل دستمزد بیش از اینکه بر پایه بهره‌وری باشد، مبتنی بر هزینه‌های زندگی است و یک سیاست حمایتی برای کارگران محسوب می‌شود که در بسیاری از کشورها اعمال شده و تلاش دارد سطحی از رفاه را برای کارگران تأمین کند. در خصوص رابطه بین تورم و حداقل دستمزد انتظار می‌رود که به منظور حفظ قدرت خرید کارگران و محافظت آنها از اثرات منفی این پدیده، قدرت خرید کارگران متناسب با نرخ تورم، افزایش یابد. در حقیقت این گزاره بازگشت به منطق اصلی حداقل دستمزد است.

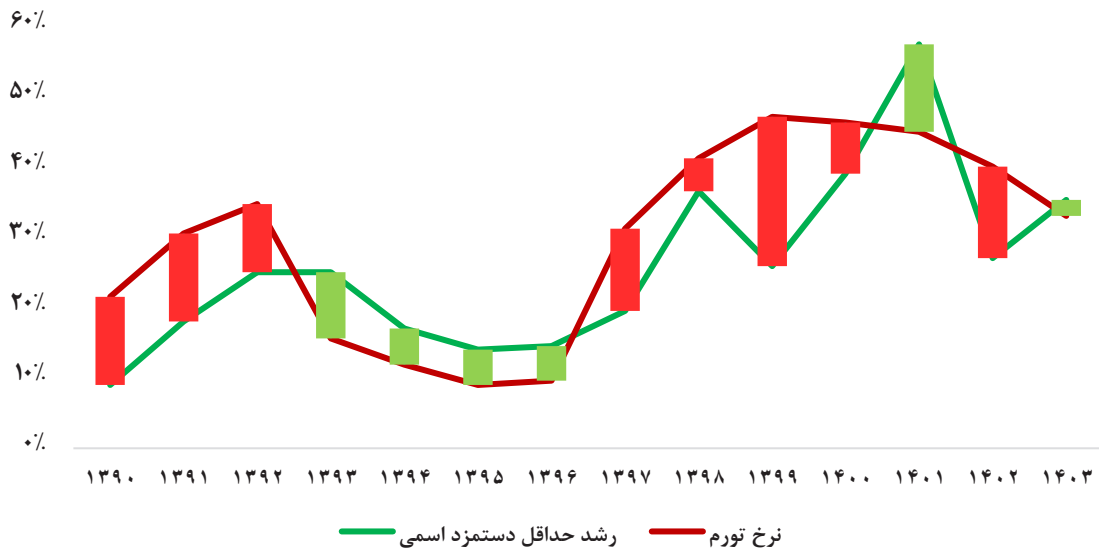
شرایط نامطلوب اقتصادی در نیمه دوم دهه ۹۰ باعث گردید که رشد اقتصادی به شدت محدود شده و در نتیجه توانایی اقتصاد در بهبود رفاه کاهش یابد. در این میان حداقل دستمزد نسبت به تورم تا حدی دارای عقب ماندگی است. بر اساس آنچه که در نمودار شماره (۱) نشان داده شده است از سال ۱۳۹۷ تقریباً نرخ رشد حداقل دستمزد در سطح پایین‌تر از تورم بوده و این شواهدی برای

۱. اعداد مربوط به سال ۱۴۰۳ برآوردی و براساس نرخ تورم ماهانه محاسبه شده است.



عقب‌ماندگی دستمزد در ایران است^۱. به استثنای سال ۱۴۰۱ که حداقل دستمزد با پیشی گرفتن از تورم، رشدی نزدیک به ۵۷ درصدی را داشته، در سایر سال‌ها با توجه به جهش فقر و شرایط نامطلوب اقتصادی روندی معکوس تجربه شده است. با این حال این عدد در سال ۱۴۰۳ تا حدی به هم نزدیک شده اما همچنان برای جمع‌بندی نرخ تورم در سال جاری باید تورم کل سال را ملاک عمل قرار داد.

شکل ۳. نمودار نرخ تورم و نرخ رشد حداقل دستمزد



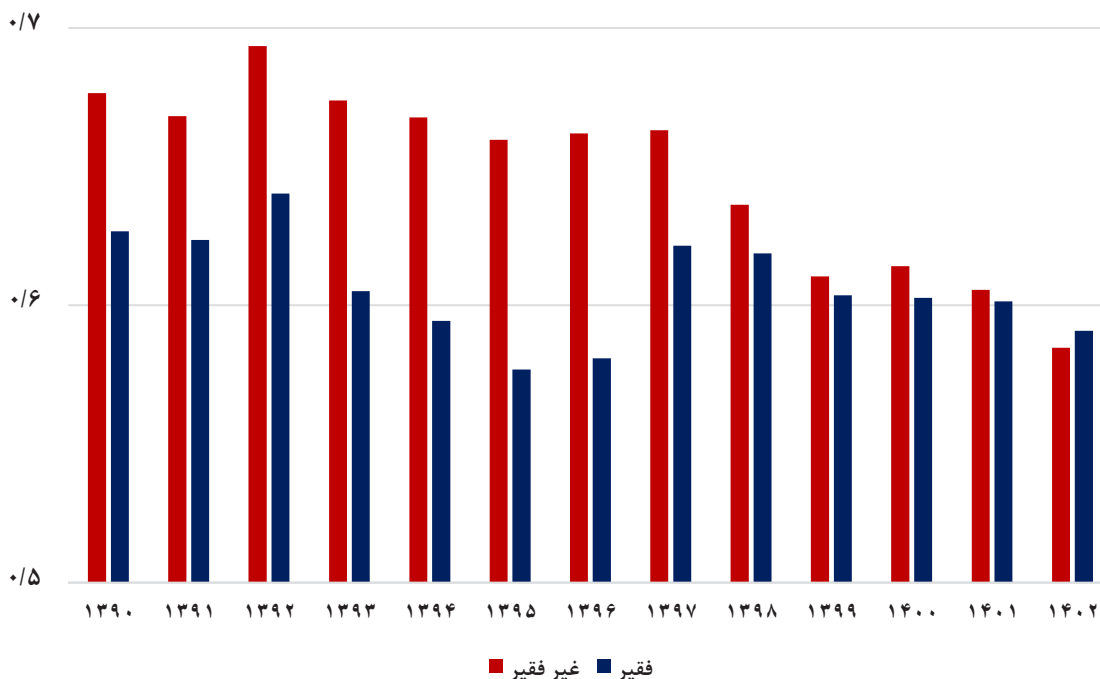
مأخذ: مرکز آمار ایران و جداول سالیانه دستمزد

۲-۳. اهمیت اشتغال در کاهش فقر

تصور اولیه این است که اشتغال توضیح‌دهنده خوبی برای فقیر بودن یا نبودن خانوار باشد. به عبارت دیگر همانطور که پیش از این عنوان شد، خانواری که دارای سرپرست شاغل است، در صورتی که دچار سایر علل فقر نباشد، سزاوار سطح قابل قبولی از رفاه است. نمودار شماره (۴) درصد خانوارهای دارای سرپرست شاغل را به تفکیک فقیر و غیرفقیر نشان می‌دهد. همانطور که در نمودار مشاهده می‌شود، در ابتدای دهه ۹۰ اشتغال سرپرست خانوار توضیح‌دهنده خوبی برای تفاوت میان خانوارهای فقیر و غیرفقیر بوده است اما با شروع شرایط نامطلوب اقتصادی در نیمه دوم دهه ۹۰ که منجر به جهش فقر از سال ۱۳۹۷ به بعد شد، اشتغال سرپرست خانوار برای تفکیک بین خانوار فقیر و غیرفقیر کم‌اهمیت‌تر شده تا اینکه در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ تقریباً برابر است. یکی از دلایل اصلی کاهش اهمیت اشتغال برای توضیح دهندگی فقر، این است که در دهه ۹۰ عمده مشاغل ایجاد شده، خود اشتغالی با ماهیت کارکن مستقل بوده است، بعبارت دیگر، مشاغلی کم‌کیفیت و با درآمد ناپایدار. بنابراین سطح درآمدی پایین باعث می‌شود که خانوارها حتی در صورت داشتن سرپرست شاغل نتوانند هزینه‌های حداقلی زندگی را تأمین کنند در نتیجه فقیر به حساب می‌آیند. در حقیقت با کاهش اهمیت اشتغال در توضیح دهندگی میزان خروج خانوار از فقر، برخی از خانوارهای فقیر حتی در صورت داشتن سرپرست شاغل و درآمد حاصل از شغل نمی‌توانند خود را از ورطه فقر نجات دهند که اصطلاحاً باعث شکل‌گیری جمعیتی از شاغلین موسوم به شاغلین فقیر در کشور شده است [۳].

۱. هر چند نرخ رشد دستمزد در سال آینده معمولاً با تورم سال جاری مقایسه می‌شود.



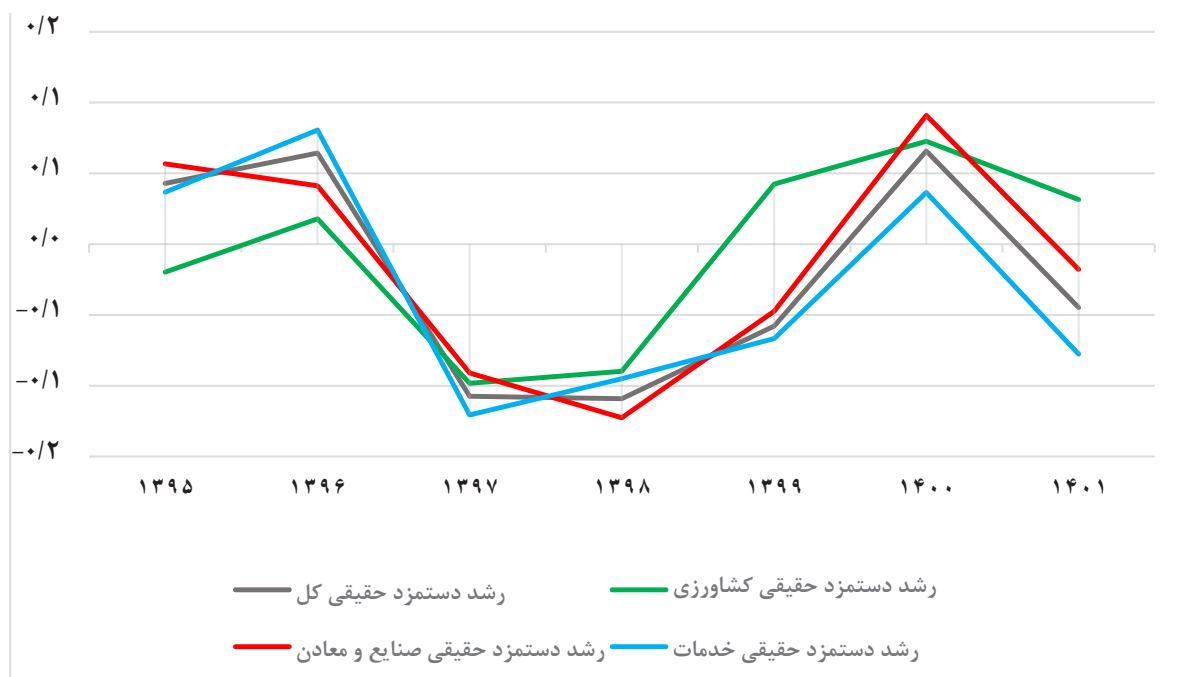


مأخذ: محاسبات تحقیق

نمودار زیر نشان می‌دهد که رشد دستمزد حقیقی نیروی کار در بخش‌های مختلف اقتصادی (کشاورزی، صنعت و خدمات) طی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸ و ۱۴۰۰ به ۱۴۰۱ روند کاهشی داشته و قدرت خرید درآمد حاصل از شغل کاهش یافته است. براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس ترکیب اشتغال در سال ۱۴۰۰ به گونه‌ای است که دهک‌های پایین درآمدی در بخش‌های کشاورزی و ساختمان اشتغال دارند و دهک‌های متوسط درآمدی در بخش‌های خدمات و صنعت مشغول به کار هستند [۲]. با این توضیح، نمودار شماره (۵) تفسیر بهتری ارائه می‌دهد. دستمزد برای بخش خدمات که خانوارهای نزدیک به خط فقر، اشتغال بیشتری در آن بخش دارند، رشد کمتری از سایر بخش‌ها داشته است در مقابل بخش کشاورزی در رشد دستمزد شرایط مطلوب‌تری نسبت به سایر بخش‌ها را نشان می‌دهد. اما از آنجاییکه دهک‌های پایین یا در حال اشتغال نیستند و یا اشتغال آن‌ها در حوزه اشتغال غیررسمی دسته‌بندی می‌شود، رشد دستمزد بخش کشاورزی نتایج رفاهی ملموسی در کشور نداشته است.



شکل ۵. نمودار روند دستمزد حقیقی در بخش‌های مختلف اقتصادی (درصد)



مأخذ: محاسبات محقق از داده‌های FP

۴-۲. حداقل دستمزد برای فقرا و غیر فقرا

همانطور که عنوان شد اثر گذاری حداقل دستمزد بر روی فقرا و غیر فقرا متفاوت است. ویژگی‌های فقرا به گونه‌ای است که یا توانایی اشتغال ندارند و یا اینکه از دستیابی به شغل‌های رسمی محرومند در نتیجه انتظار می‌رود سیاست گذاری حداقل دستمزد تاثیر چندانی بر روی وضعیت فقرا نداشته باشد. به همین دلیل سهم درآمد ناشی از شغل از کل درآمد برای فقرا پایین است و درآمدهایی مانند یارانه‌ها و کمک‌های نهادهای حمایتی سهم بیشتری دارند. در مقابل سهم دستمزد برای طبقه موصوف به متوسط بیشتر است و رفاه زندگی این طبقه وابستگی بیشتری به نرخ رشد حداقل دستمزد دارد. برای نشان دادن نحوه اثر گذاری حداقل دستمزد بر روی فقرا و غیر فقرا از سه شاخص در جدول شماره (۱) استفاده شده است. ابتدا شاخص شکاف فقر که بیانگر فاصله میانگین درآمد فقرا با خط فقر است (افزایش این شاخص به معنای افزایش فاصله درآمدی فقرا با خط فقر و کاهش شانس خروج از فقر است) ارائه شده است. دیگر شاخص فاصله غیر فقرا با خط فقر بوده و فاصله میانگین درآمد غیر فقرا با خط فقر را نشان می‌دهد. کاهش این فاصله به معنی وخیم شدن رفاه خانوارهای غیر فقیر و افزایش احتمال فقیر شدن آن‌ها در آینده است. در این شاخص هدف خانوار طبقه متوسط درآمدی بوده و در نتیجه دهک‌های هشت، نه و ده که سهم درآمدهای غیر شغلی بالاتری دارند از تحلیل حذف شده‌اند. در نهایت شاخص سوم، تفاضل تورم و نرخ رشد دستمزد است و مقدار مثبت آن به معنی عقب ماندن دستمزد از تورم و مقدار منفی آن به معنی رشد بیشتر دستمزد نسبت به تورم است. برای نحوه اثر گذاری این سه شاخص بر یکدیگر از تحلیل ضریب همبستگی برای سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۲ استفاده شده که نتایج آن در جدول شماره (۱) ارائه شده است. ضریب همبستگی شاخص فاصله غیر فقرا با خط فقر و شاخص تفاوت تورم با نرخ رشد حداقل دستمزد، منفی بوده و در حدود عدد ۰,۴۵ است. رابطه منفی این دو شاخص به معنای این است که هر چقدر تورم نسبت به حداقل دستمزد فاصله بیشتری داشته باشد، فاصله غیر فقرا به خط فقر کمتر شده و غیر فقرا به خط فقر نزدیک‌تر می‌شوند.



اما ضریب همبستگی بین تفاوت تورم با نرخ رشد حداقل دستمزد و شکاف فقر یک رابطه مثبت است. به این معنی که با افزایش فاصله تورم نسبت به حداقل دستمزد به نفع تورم، شکاف فقر نیز زیاد شده و فاصله فقر به خط فقر بیشتر می‌شود. فارغ از نحوه اثرگذاری این شاخص، همانطور که در جدول مشخص است، ضریب همبستگی میان «تفاوت تورم با نرخ رشد حداقل دستمزد» و «فاصله غیر فقرا با خط فقر» خیلی بیشتر از ضریب همبستگی بین «تفاوت تورم با نرخ رشد حداقل دستمزد» و شکاف فقر است. تفسیر دیگر این اعداد این است که حداقل دستمزد بیش از آنکه بر روی فقرا اثر داشته باشد بر روی غیر فقرا نزدیک خط فقر اثر دارد؛ به بیان دیگر سیاست حداقل دستمزد منجر به خروج از فقر برای فقرا نخواهد شد اما با احتمال بیشتری می‌تواند از ورود خانوارها به ورطه فقر جلوگیری کند چرا که رفاه خانوارهای نزدیک خط فقر تا اندازه قابل توجهی تحت تأثیر حداقل دستمزد است.

جدول ۱- ضریب همبستگی میان متغیرها

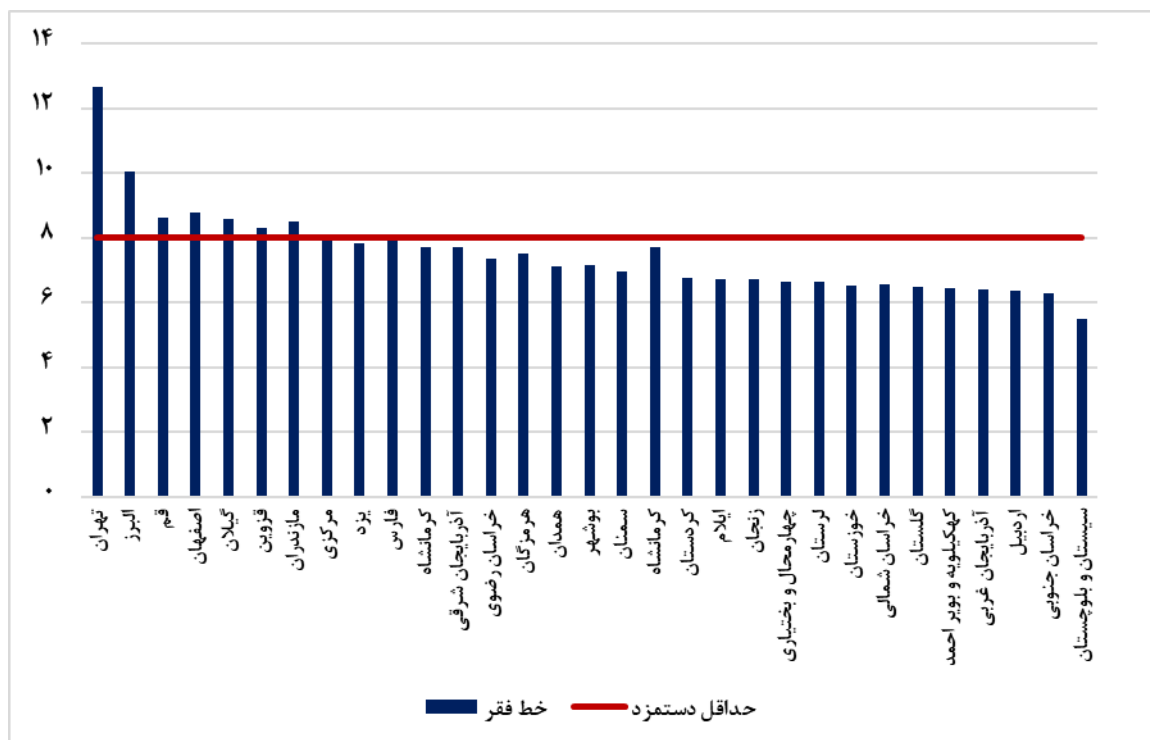
شکاف فقر	فاصله غیر فقرا با خط فقر	تفاوت تورم با نرخ رشد حداقل دستمزد	
۰,۰۷۷	-۰,۴۵	۱	تفاوت تورم با نرخ رشد حداقل دستمزد
-	۱	-۰,۴۵	فاصله غیر فقرا با خط فقر
۱	-	۰,۰۷۷	شکاف فقر

مأخذ: محاسبات تحقیق

۵-۲. فقر استانی و حداقل دریافتی

هر چند نسبت حداقل دریافتی به خط فقر به خوبی نشان دهنده عقب ماندن دستمزد از تورم است، اما مقایسه حداقل دریافتی با نرخ فقر استانی نتایج بسیار جالب تری را ارائه می‌کند. نمودار شماره (۴) حاوی اطلاعات خط فقرهای استانی و حداقل دریافتی برای خانوار سه نفره است. بر اساس این نمودار حداقل دریافتی در استان‌های تهران، البرز، قم، اصفهان، گیلان، قزوین و مازندران نمی‌تواند هزینه‌های سبد مصرفی فقر برای یک خانواده سه نفره را تأمین کند. ترجمه این گزاره به زبان ساده این است که در این استان‌ها برخی افراد حتی در صورت داشتن شغل رسمی باز هم فقیر محسوب می‌شوند که گویای پدیده شاغلین فقیر است. داشتن شغل رسمی یکی از اصلی‌ترین مولفه‌هایی است که کمک می‌کند افراد به ورطه فقر سقوط نکنند اما بر اساس نمودار شماره (۶) این ویژگی تا حدودی برای برخی از افراد در هفت استان مذکور صادق نیست. این در حالی است که بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، در سال ۱۴۰۱ تنها سه استان اول چنین شرایطی را در آن سال داشته‌اند [۲]. به عبارت دیگر عقب ماندگی دستمزد از نرخ تورم باعث گردیده که دستمزدها نتوانند سبد خط فقر در ۴ استان دیگر را پوشش دهند و در نتیجه رفاه شاغلین در آن استان‌ها نیز کاهش یافته است. اما آنچه از نمودار شماره (۶) برداشت می‌شود فقدان سیاست حداقل دستمزد منطقه‌ای متناسب با هزینه‌های سبد مصرفی خط فقر است. این سیاست جزئیات و پیچیدگی‌های بسیاری داشته که می‌بایست مورد بررسی بیشتر قرار گیرد، اما با توجه به ظرفیت قانون کار (ماده ۴۱) برای تعیین دستمزدها بر اساس مناطق و یا صنایع مختلف کشور، همچنان می‌تواند به عنوان یک پیشنهاد مورد توجه قرار گیرد.





مأخذ: محاسبات تحقیق

۳. جمع‌بندی

ارزیابی حداقل دستمزد از ابتدای دهه ۱۳۹۰ تاکنون نشان می‌دهد که در پنج سال اخیر به استثنای سال ۱۴۰۱ دستمزدها از تورم عقب افتاده‌اند. کاهش دستمزدهای حقیقی به علت محدود شدن رشد اقتصادی و سطح پایین بهره‌وری در اقتصاد ایران است. روند کاهشی دستمزد نسبت به خط فقر نشان دهنده روند نزولی سطح رفاه خانوارهای دارای سرپرست شاغل است که به مرور باعث گردیده که از اهمیت اشتغال در نظام تولید ایران کاسته شود. در حقیقت با کاهش اهمیت اشتغال در تولید و رشد اقتصادی، اشتغال دیگر توضیح دهنده مناسبی برای خروج خانوار از خط فقر نخواهد بود. در نتیجه‌انگیزه‌های کار برای دستیابی به درآمد برای سطح رفاهی بهتر، کاهش می‌یابد که شاید بتواند دلیلی برای کاهش نرخ مشارکت اقتصادی در ایران قلمداد شود. به نظر می‌رسد با توجه به تجربه افزایش حداقل دستمزد در سطحی بالاتر از تورم در سال ۱۴۰۱، اقتصاد ایران نیازمند ترمیم دستمزدها در سال آینده است به گونه‌ای که اشتغال بتواند از فقر خانوار دارای سرپرست خانوار جلوگیری کند. این پدیده ضمن تضمین تقاضای از دست رفته ممکن است انگیزه‌های اشتغال رسمی را افزایش داده و محرکی برای رشد اقتصادی محدود شده در ایران باشد. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد حداقل دستمزد بیش از آنکه بر روی فقر اثر داشته باشد بر روی غیرفقرای نزدیک خط فقر اثر دارد؛ به بیان دیگر اگرچه سیاست حداقل دستمزد در زمینه خروج فقر از محدوده فقر کارایی زیادی ندارد اما می‌تواند با احتمال بیشتری از ورود خانوارهای جدید به ورطه فقر جلوگیری کند.





منابع و مآخذ



- [۱] سیده‌های موسوی نیک، شهاب‌الدین فولادی مقدم (۱۴۰۳) خلاصه وضعیت فقر در سال ۱۴۰۲، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- [۲] سیده‌های موسوی نیک، شهاب‌الدین فولادی مقدم، محمدرضا عبدالهی (۱۴۰۲) وضعیت فقر در سال ۱۴۰۱، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۹۶۵۵.
- [۳] زهرا کاویانی (۱۴۰۲)، وضعیت فقر و ویژگی فقرا در دهه ۹۰، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۸۹۵۵.
- [۴] گروه نویسندگان (۱۴۰۳) گروه اقتصاد کلان و مدلسازی، تحلیل تحولات و چشم‌انداز اقتصاد ایران در آستانه تدوین بودجه ۱۴۰۴، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۲۰۱۴۶.

گزیده سیاستی

مقایسه داده‌های حداقل دستمزد با خط فقر نشان می‌دهد که در طی سال‌های اخیر حداقل دستمزد از تورم سبب خط فقر جامانده است در نتیجه افزایش کفایت حداقل دستمزد از ورود خانوارهای نزدیک خط فقر به زیر خط فقر جلوگیری می‌کند.

